

شهریور ۶۷ جنایت علیه بشریت

دهه ۶۰ به عنوان دهه جنایت جمهوری اسلامی، با طیفهای رنگارنگ سبز و سیاه آن، علیه بشریت، نه تنها در ایران بلکه در افکار عمومی بین المللی شناخته شده است. در این دهه دهها هزار تن از شریف ترین و عزیزترین انسانها، یک نسل کامل از کمونیستها و آزادیخواهان ایران قتل عام شدند.

خامنه ای، موسوی، کروبی، محسن رضایی و رفسنجانی، همچون احمدی نژاد، لاجوردی، خمینی و دیگران، از فرماندهان و فتوا دهندگان و مجریان سه دهه کشتار و جنایت علیه طبقه کارگر، کمونیست ها و مردم آزادیخواه در ایران هستند.

سران جناح سبز و خیل میدیای "شرافتمند" مدافع آن، با افشای گوشه های بسیار کوچک از جنایات دوره اخیر جمهوری اسلامی، آنهم در جهت حفظ نظامشان، می خواهند خاک در چشم مردم بپاشند. این ها می خواهند سه دهه جنایت سازمان یافته، سه دهه قتل عام و کشتار و سه دهه تحمل فقر و فلاکت و بی حقوقی به طبقه کارگر، به زن و جوان و کودک و سالمند را که همه سران و همکاران رژیم از هر دو جناح در آن شریکند، لاپوشانی کرده و به فراموشی بپارند.

سران جنبش سبز زمانی از شکنجه و تجاوز به زندانیان و اعتراف گیری حرف می زنند که لبه تیغ رژیم گردن خودی هایشان را تهدید کرده است. انگار تاریخ شکنجه و قساوت و اعتراف گیری، از محاکمه سران سبز و جنایات و سرکوبهای یک سال اخیر شروع شده است. انگار آن هزاران نفر از مخالفین جمهوری اسلامی که در شهریور ۶۷ به فرمان خمینی و بقیه سران سبز و سیاه جمهوری اسلامی و در شرایطی که جسمشان زیر شکنجه تکه پاره شده بود و سرانجام جمعی و فردی قصابی شدند، انسان نبودند.

جمهوری اسلامی رژیمی ضد بشری با پرونده سه دهه نسل کشی، سه دهه ضدیت با انسان و هر آنچه انسانی است، سه دهه شکنجه و کشتار و اختناق و سه دهه تعدی به جان و حرمت مردم است.

"مردم ایران حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند. روزی که سران این رژیم، اربابان و یاران و همکاران لاجوردی، در پیشگاه مردم آزاد شده ایران به محاکمه کشیده شوند دیر نیست. آن روز تمام جهان، بر آنچه اینان با مردم کرده اند، خواهد گریست."

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد، آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری حکمتیست

۲۲ مرداد ۸۹ - ۱۳ اوت ۲۰۱۰

مصاحبه با عبدالله دارابی

به مناسبت سی و یکمین سالگرد کوچ تاریخی مریوان

"عدم شرکت حزب دمکرات در این کوچ تاریخی مردم مریوان، اساسا از دید و زاویه منافع طبقاتی اش بود!"

اکتبر: سی و یکمین سالگرد "کوچ تاریخی مردم مریوان" میباشد. شما یکی از سازمآندهندگان اصلی آن حرکت تاریخی هستید. اساسا این کوچ چرا صورت گرفت؟ پیش زمینه های سیاسی- اجتماعی و اعتراضی این حرکت عظیم تاریخی که باعث شد یک شهر چند ده هزار نفری "تمام ساکنین شهر" کوچ کنند، چه بود؟

عبدالله دارابی:

۳۱ سال قبل مردم کردستان هم مانند سایر مردم ایران، بمنظور برقراری آزادی، برابری، رفاه و خوشبختی جامعه، نقش بسزائی را در انقلاب ۵۷ ایفا نمودند و با اعتراضات و تظاهرات های توده ای و وسیع خود، تمام مراکز قدرت و سرکوب رژیم شاه چون «ساواک، پادگانها، پاسگاه های ژاندارمری، شهربانی، زندانها و...» را یکی پس از دیگری مورد حمله قرار داده و با تصرف آنها، نظام پادشاهی را از اریکه قدرت ساقط کردند. ولی برجسته ترین جنبه این انقلاب، ایفای نقش کلیدی کارگران نفت بود که توانست به مثابه نقطه عطفی بزرگ در تاریخ ایران ثبت گردد. ادامه در صفحه ۳

اعتصاب کارگران سد ژاوه مورد یورش وحشیانه سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار گرفت

ص ۲

توهم کارگر به سرمایه دار دردی است کشنده

(به مناسبت سر انجام اعتصاب کارگران سد ژاوه)

ص ۲

سلام زیجی

مرگ دلخراش سه برادر در بوکان

ص ۸

کارگران شاغل در مراکز کار بوکان و دستمزدهای متفاوت

ص ۴

سهنذ حسینی

گارد آزادی در کردستان : خنثی کردن نیروهای مسلح رژیم و اقدامات گارد آزادی و مردم آزادیخواه!

(بخش سوم و پایانی)

ص ۵

سلام زیجی

۶۵سالگی بمباران اتمی ناگازاکی

ص ۸

صلاح ایراندوست

گزیده ای از مهمترین اخبار و رویدادها در کردستان

ص ۷

گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در کردستان

ص ۷

توهم کارگر به سرمایه دار دردی است کشنده

(به مناسبت سرانجام اعتصاب کارگران سد ژاوه)

سلام زیجی

مبارزه کارگران در کردستان با دولت و کارفرما در دوره اخیر مملو از جنب و جوش، اعتراض و اعتصاب بود. حرکت بزرگ هفت صد کارگر سد ژاوه در محور جاده سنندج- کامیاران نمونه برجسته ای از این مبارزات بود. این حرکت بعد از مدت‌ها اعتراض کارگران برای گرفتن حقوق پنج ماه معوقه خود بدلیل قلداری کارفرما و تن ندادن او به این خواست غیر قابل گذشت کارگران مجبور میشوند در یک تصمیم متحد دست به اعتصاب بزنند. این اعتصاب بزرگ و قدرتمند دوازده روز بطول انجامید و سرانجام با گسیل نیروی انتظامی و سرکوب از جانب کارفرما و دولت جنایتکار روبرو میگردند. این جنایتکاران به جان کارگران اعتصابی میافتند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و تعدادی از آنها را دستگیر میکنند. با این وجود کارگران به اعتصاب ادامه میدهند و خواست آزادی کارگران دستگیر شده نیز به خواست آنها اضافه میشود.

هنگامی که دولت و سرکوبگران و کارفرما مزدور متوجه میشوند با گسیل نیرو و سرکوب هم توان مقابله با کارگرانی که متحد شده اند، را ندارند دست به ترندهای دیگری میزنند. از یکسو با آزادی دستگیر شدگان با قید وثیقه وانمود میکنند که به خواست آزادی کارگران بازداشت شده "توجه میکنند" و بدین ترتیب "حسن نیت" خود را نشان میدهند. از سوی دیگر کارفرما با زمینه سازی در بین جمعی از کارگران طرح باز پرداخت یک ماه از پنج ماه حقوق معوقه را در مقابل کارگران قرار میدهد. متأسفانه این ترندها توانست به صف متحد و شورانگیز اعتراض و اعتصاب چند هفته ای هفت صد کارگر که برای پس گرفتن نان پنج ماه به گرو گرفته خود و خانواده‌هایشان از جانب کارفرمای بیشرم و بی وجدان به میدان آمده بودند، آسیب برساند. تعدادی از کارگران به دام این طرح می افتند و عملاً با پذیرفتن ترند کارفرما و راضی شدن به "تعهد" کارفرما برای پرداخت حقوق معوقه یک ماه به جای پنج ماه به صف متحد و اعتصاب و اعتراض یکپارچه کل کارگران سد ژاوه پایان میدهند.

ما در اطلاعیه پانزدهم مرداد کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست در خطاب به کارگران سد ژاوه تاکید کردیم: "اعتصاب و اعتراض تاکنونی شما ستودنی و مایه افتخار است! به اتحاد و همبستگی تاکنونی شما درود میفرستیم! این حرکت شما و تپانی کارفرما و دولت بار دیگر نشان داد که دشمنان طبقاتی شما چه لباس کردایتی و چه ایرانی گری و چه مذهبی و اسلامی بر تن کنند نمیتوانند چهره کریه و ضد کارگری خود را پنهان کنند. کارگران به عنوان یک طبقه راهی جز اتحاد طبقاتی در مقابل همه سرمایه داران رنگارنگ و دولت جنایتکار آنها، حکومت بورژوا- اسلامی ندارد..."

براستی همانطور که آن اطلاعیه توضیح داده بود حرکت اعتراضی کارگران شورانگیز و مایه افتخار بود! اما این حرکت شورانگیز و پر افتخار به دلیل کمبودهایی و از جمله توهم به سرمایه دار که متأسفانه در میان طبقه کارگر برجسته است و اغلب تلاشهای بزرگ را با ناکامی روبرو کرده است، در اینمورد هم عمل کرد. وجود توهم و خوش باوری به کارفرما و دولت، و براحتی افتادن تو دمی که کارفرماها و دولت شان برای کارگران برنامه ریزی میکنند آنهم درست در شرایطی که کارگر حرکت متحدانه ای کرده است و دارد حق خودش را از حلقوم زالو صفتان بیرون میکند، آن معضل دیرینه ای است که کمر طبقه ما را شکسته است.

این تجربه هم به ما نشان داد که کارگران در خلاء آگاهی روشن طبقاتی و آگاه به منافع طبقاتی، بدون حضور موثر گرایش و سیاست کمونیستی و بدون اتحاد یکپارچه و مستمر اگر سرکوب هم نتواند آنها را از پای در آورد به سادگی دشمنان رنگارنگ و کارفرما، درست مانند مورد سد ژاوه، صف متحد و تلاش و آرزوهای بر حق آنها را از پای در خواهد آورد. پر کردن این خلاء از بدبختی ترین وظایف کارگران کمونیست و جریان کمونیستی درون کارگران و حزب کمونیستی است.

این درد بزرگ طبقه کارگر است! تیغ توهم و خوش باوری کارگر به کارفرما و دولت سرمایه داران بسیارکشنده تر از آتش سلاح نیروهای سرکوب آنها است برای طبقه ما!

۲۵ مرداد ۸۹

اعتصاب کارگران سد ژاوه مورد یورش وحشیانه سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار گرفت

در داخل و خارج کشور به حمایت از کارگران سد ژاوه فرامیخوانیم. به ویژه از نهادهای کارگری و بخش های دیگر مراکز کارگری در سنندج و کامیاران و دیگر شهرها را به حمایت فوری از کارگران سد ژاوه فرامیخوانیم. هیچ اعتراض و حرکت کارگری را نباید تنها گذاشت!

کارگران سد ژاوه!

اعتصاب و اعتراض تاکنونی شما ستودنی و مایه افتخار است! به اتحاد و همبستگی تاکنونی شما درود میفرستیم! این حرکت شما و تپانی کارفرما و دولت بار دیگر نشان داد که دشمنان طبقاتی شما چه لباس کردایتی و چه ایرانی گری و چه مذهبی و اسلامی بر تن کنند نمیتوانند چهره کریه و ضد کارگری خود را پنهان کنند. کارگران به عنوان یک طبقه راهی جز اتحاد طبقاتی در مقابل همه سرمایه داران رنگارنگ و دولت جنایتکار آنها، حکومت بورژوا- اسلامی ندارد.

این جنایتکاران حتی از پرداخت مزد ناچیزی که با فروش نیروی کارمان و برای تامین نان خالی سفره خانواده هایمان بدست آمده خودداری میکنند. این حق اولیه ما است باید آنرا از حلقوم دولت و کارفرماهای سودجو و ضد انسانی بیرون آورد.

رفقا!

شما را به تداوم اتحاد و همبستگی در مقابل دولت و کارفرما سد ژاوه فرامیخوانیم. کارفرما و دولت نه تنها حقوق معوقه که خسارت ناشی از این یورش وحشیانه را نیز باید پرداخت کنند. کارگران بازداشتی فوری باید آزاد گردند! هر گونه اتهامات واهی و شناخته شده کارفرما و دولت علیه کارگران باید از نطفه خفه کرد و با موجی از اعتراض طبقه ما روبرو گردد!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سد ژاوه!

زنده باد اعتصاب کارگری!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۵ مرداد ۸۹

اجتماعی و اعتراض و اعتصاب کافی نیست. بدون تلاش مستقیم برای تضعیف و خنثی کردن آن دستی که اعتراض و اعتصاب را سرکوب میکند کار بسیار ناتمامی را کرده ایم. این جمهوری اسلامی است! قدرت نظامی جمهوری اسلامی را تنها از طریق انقلابی و توده ای که من به گوشه هایی از آن پرداختم امروز و در بطن مبارزات جاری میتوان تضعیف کرد. بدون چنین تلاشی امر مبارزه کارگران و کمونیستها و جنبش آزادیخواهی ده چندان سخت تر و پر هزینه تر خواهد شد. (باز تکثیر از اکتبر)

s_zijji@yahoo.se

700 کارگر سد ژاوه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و مطالبات برحق خود در تاریخ 24 تیرماه حرکت اعتراضی خود را آغاز کرده بودند. بدنبال عدم توجه کارفرما و دولت به خواست آنها در تاریخ 29 تیر ماه اعتصاب خود را شروع کردند و بعد از 12 روز اعتصاب و اتحاد شور انگیز کارفرما و دولت ضد کارگری تاب تحمل نیاوردند و تدارک یک حمله وحشیانه مسلحانه را علیه کارگران دیدند. کارفرما و دولت در تاریخ 9 مردادماه مامورین نیروی انتظامی پاسگاه "نران" را جهت درهم شکستن اعتصاب کارگران به محل کارگاه گسیل داشته و در نهایت وحشیگری به اعتصاب کارگران حمله ور میشوند. به رغم این یورش جنایتکارانه کارگران متحدانه به اعتصاب و حرکت خود ادامه میدهند. در جریان این حمله شش نفر از کارگران را به نامهای عسکر شاه مرادی، افشین احمدی، فرید آمدند و هیوا سهیلی فر و دو نفر دیگر را دستگیر میکنند. پنج نفر از بازداشت شدگان با قرار وثیقه آزاد میشوند و یکی از آنان به نام اقبال هنوز در بازداشت به سر می برد. کارگران اعلام کرده اند تا مشخص شدن وضعیت پرداخت مطالبات معوقه و آزادی دستگیر شدگان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست این یورش وحشیانه و توطئه مشترک کارفرما و دولت را به کارگران سد ژاوه، در محور جاده سنندج- کامیاران را شدیداً محکوم میکند. به کارفرما سد ژاوه بدلیل درخواست نیروهای مسلح مزدور به محل اعتصاب و کسبل کردن نیروهای سرکوبگر شدیداً هشدار میدهم. ما همه نهادها و سازمانهای مدافع کارگران را



گارد آزادی در کردستان: خنثی...

خلاصه: اگر همه ابعاد این بحث و کل این اقدامات را بعنوان یک هدف و حرکت به هم پیوسته در نظر بگیریم و براساسی برای آن تلاش وسیعی از جانب کل نیروهای انقلابی و کمونیست و همه مردم آزادیخواه و واحدهای گارد آزادی به حرکت ببقند امکان خنثی کردن و تضعیف مهمترین قدرت جمهوری اسلامی، نیروی نظامی و سرکوب، آنرا به یک واقعیت عینی تبدیل خواهیم کرد. برای مبارزه و سرنگونی جمهوری اسلامی فقط فعالیتهای سیاسی و

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

مصاحبه با عبدالله داریی به مناسبت سی و یکمین ...

این رویداد عظیم، بورژوازی جهانی را چنان لرزاند که فاشیسم مذهبی را بعنوان مؤثرترین آلترناتیو سرکوب به جلو صحنه آوردند و به کمک احزاب و جریان‌های ملی-مذهبی، حزب توده و چریک‌های اکثریت، آنرا بر کرده کارگر و مردم انقلابی ایران سوار کردند. از آن تاریخ تا به امروز، جنگ بین طبقه کارگر و مردم انقلابی علیه این رژیم هار سرمایه داری در جریان است. اگر چه 6 ماه و چند روزی بیشتر از انقلاب 57 نگذشته بود ولی رژیم عزم خود را جزم کرده بود که به کردستان حمله کند و با فراهم کردن ماتریال لازم، مترصد فرصت مناسب بود تا تراژدی فاجعه آمیز خود در کردستان را به کارنامه سپاهش الصاق نماید. برای آغاز این یورش خونین، شهر مریوان را در نظر گرفته بودند که مقابله عظیم توده ای و جمعی مردم به رهبری کمونیست‌ها آنرا ناکام گذاشت و تغییر داد. بنا بر این، کوچ تاریخی مردم مریوان و حمایت کم نظیر مردم کردستان از آن، در بطن و درون چنین جدال و کشمکش طبقاتی قابل بحث و بررسی است نه چیزی خارج از آن. مردم کردستان بمنظور تغییر بنیادی جامعه در انقلاب 57 شرکت کردند و حاضر نبودند در برابر یورش فاشیسم اسلامی به کردستان سر فرود آورند و به آن جاخالی بدهند. در آن زمان کمونیست‌ها بدون سازمان دادن توده وسیع مردم آنهم در ابعاد ده ها هزار نفری، قادر به مقابله و رویارویی با فاشیسم اسلامی نبود.

با توجه به آن، کوچ تاریخی مردم مریوان یک مقابله عظیم توده ای و به یاد ماندنی و یک نه بزرگ و انکار ناپذیر مردم کردستان و کارگران کمونیست و انقلابیون سراسر ایران به رژیم تازه به دوران رسیده جمهوری اسلامی بود که قصد داشت یورش به کردستان را از شهر مریوان شروع کند و مردم انقلابی یک شهر را به خاک و خون بکشاند. کوچ تاریخی مردم مریوان (31 تیر تا 13 مرداد 1358)، اعتراض به سیاست سرکوبگرانه و یورش آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی به این شهر بود، تا اینکه رژیم با قرار گرفتن در مقابل یک شهر خالی از سکنه، از حمله به آن باز ماند. این اتفاق تاریخی و کم نظیر، در اثر درایت و کاردانی یک رهبری کمونیستی و مسئولیت پذیری مردم انقلابی مریوان در قبال آن اوضاع خطرناک صورت گرفت که بلافاصله حمایت همه جانبه مردم کردستان و بخش قابل توجهی از کارگران و مردم انقلابی سراسر ایران را هم با خود به همراه آورد. در واقع میتوان گفت، نقشه شوم رژیم در مقابل شور و هیجان مردم انقلابی مریوان و حمایت بیدریغ آزادیخواهان کردستان و سراسر ایران ناکام ماند و رژیم را ناچار نمود یورش وحشیانه خود به کردستان را از شهر مریوان به شهر پاره تغییر دهد. وقتی مردم شهر مریوان به نقطه ای در نوار مرزی عراق (کنار روستای کانی میران)، کوچ کردند مردم اکثر شهرهای کردستان هم حمایت کم نظیر خودشان را بصورت راه پیمایی طولانی مدت به سوی مریوان آغاز نمودند و بدینوسیله سد محکمی را در مقابل یورش رژیم ایجاد نمودند. نقطه عطف این حرکت اینجا بود که توانست در فاصله زمانی بسیار کوتاه، کوچ یک شهر را به راه پیمایی طولانی مدت مردم اکثر شهرهای کردستان تبدیل کند سپس همه آنها را در محل کوچ مردم مریوان بهمیدگر ملحق نماید. شکوه و عظمت این حرکت چنان بر جسته

بود که رژیم فاشیست جمهوری اسلامی را در جا میخکوب کرد و آنرا بطرز حیرت آوری هاج و واج نمود. در آن زمان، به یمن حضور قدرتمند کمونیست‌ها در کردستان و درایت و کاردانی خاص و ویژه رفیق فواد مصطفی سلطانی، دست آورد های قیام 57 به نحوی شایسته حراست می شد و جو و فضای حاکم بر کردستان به نحو قابل توجهی نسبت به سایر نقاط ایران تغییر کرده بود. سطح شعور و آگاهی مردم و نحوه تعاون و همکاری آنان با همدیگر دگرگون شده بود و بخشی از مردم با همان سلاح هایی که در قیام بدست آورده بودند خود را مسلح کرده و به کمک آن تأمین جانی و مالی مردم شهر و روستا های کردستان را تضمین می کردند. زندگی مردم شهر و روستا ها بوسیله شورا های مردمی و بنکته های محلات اداره می شد. در پرتو چنین ابتکاراتی، فضای شهر ها سرشار از فعالیت آزاد سیاسی و آگاه گرانه بود، بطوریکه احزاب و گروه های سیاسی اپوزیسیون رژیم و مردم تشنه آزادی در دیگر شهر های ایران دسته دسته به کردستان آمده و از نزدیک به دست آورد های قیام که توسط خود مردم از آن پاسداری می شد به عنوان تجاربی گرانبها می نگریستند و سپس با انبوهی از خاطرات شریک و آموزش های بیاد ماندنی، به شهر های خود باز میگشتند. خمیر مایه کوچ تاریخی مردم مریوان، در دل همچون فضایی نضج گرفت که به آن اشاره کردم. در نتیجه، ادامه چنین اوضاع و احوالی، برای رژیم هار و استعمارگری چون جمهوری اسلامی و رئیس جمهور وقت آن "جناب بنی صدر" به هیچ وجه قابل تحمل نبود. تا اینکه سرانجام یورش بکردستان تحت نام "کفار و عوامل اسرانیل و آمریکا" در 28 مرداد 1358 با صدور فرمان امام و فرماندهی عملی بنی صدر آغاز گردید و مردم انقلابی کردستان هم از زمین و هوا مورد یورش نیرو های تپی مغز تا دندان مسلح جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

اکتبر: به پیش زمینه های تاریخی-سیاسی و اجتماعی این حرکت اشاره کردید. نقش احزاب سیاسی موجود و شورای شهر آن روز مریوان در سازماندهی این کوچ چگونه بود؟ انعکاس این حرکت در سطح سراسری ایران و کردستان چگونه بود؟

عبدالله داریی: تا جاییکه به این یادداشت کوچک مربوط می شد در پاسخ به سؤال اول، پیش زمینه های سیاسی- اجتماعی کوچ مریوان و یورش رژیم بکردستان را بصورت اجمالی از نظر گذراندم و اشاره کردم که رژیم تازه بدوران رسیده و تحمیل شده ب مردم ایران بخاطر موقعیتی که به کمک نیرو های درون و بیرون ایران "ملی-مذهبیون و توده ایستی و دول غرب"، به آن دست یافته بود هیچوقت جو و فضای چپ و رادیکال ایجاد شده در کردستان را تحمل نمیکرد. چون از رواج یافتن و سرایت کردن آن به سایر نقاط ایران بشدت می ترسیدند و بیم آنرا داشتند آن اوضاع ترسناکی که حاکم بودند از دستش در برود. بنا براین، حمله برای پس گرفتن دست آورد های انقلاب، در اولویت کاری رژیم اسلامی بود. در آن زمان تشکیلات کومه له هنوز شکل نگرفته بود ولی فعالیت قدرتمند و عملی بخش اعظم چپ و کمونیست های آن دوره برای هر عابر و رهگذری قابل لمس و مشاهده بود. در کنار این تلاش عظیم و سراسری در کردستان، رفقای چون فواد مصطفی سلطانی و صدیق کمانگر سریع درخشیدند و به مثابه رهبران چپ و کمونیست آن دوره زبان زد خاص و عام گشتند و در جمع کردن و متشکل

کردن چپ کردستان هم نقش در خور و شایسته ای از خود بجا گذاشتند. سر انجام چند ماه بعد این نیروی عظیم چپ، به اسم کومه له رسمیت یافت و بدینوسیله قطب چپ جامعه کردستان آن دوره را شکل داد. در طرف مقابل حزب دمکرات بود که تاریخ و سنت مبارزاتی خاص خود را داشت و قطب راست و بورژوازی منحل حزب کردستان را شکل داده بود و آشکار و سر راست از منافع سرمایه داران کرد دفاع میکرد. جریانات دیگری چون چریکهای فدایی و پیکار در کردستان نفوذ کلام سیاسی- اجتماعی قابل توجهی در جامعه نداشتند. بنا بر این، احزاب اصلی و تأثیر گذار اساسا کومه له و حزب دمکرات بودند که می توانستند در جابجایی نیرو در کردستان نقش ایفا کنند. با رجوع به توضیح فوق می خواهم به صراحت اعلام کنم که، غیر از کمونیست های آن دوره که بعدا کومه له را شکل دادند، هیچ حزب و جریانات سیاسی دیگری در سازمان دادن و متشکل کردن کوچ مریوان رسماً شریک و سهم نبودند و رهبری آنرا تأمین نکردند. در کنار کمونیست ها، شورای وقت شهر مریوان هم نقش پیشتازی را بازی کرد و بیدریغ از این ایده و سازماندهی این کوچ حمایت نمود. ناگفته نماند، یکسال قبل تر کوچ مشابهی ولی به نسبت کوچکتر از این کوچ، توسط مردم محله داریسیران مریوان صورت گرفته بود که بسهم خود به تجارب گرانبهائی برای این کوچ تاریخی تبدیل گشت و خود مردم داریسیران هم با شرکت فعالشان در این کوچ، توانستند سازماندهی این کوچ عظیم را سرعت بخشند. رهبری کوچ مردم داریسیران هم سر راست در دست کمونیست ها بود و از حمایت بی دریغ و همه جانبه مردم شهر و روستا های مریوان نیز بر خوردار بود. ناگفته نماند در جریان مبارزه مردم داریسیران، صدیق کمانگر و عارف مولانایی از کامیاران، تلاش و فعالیت های چشم گیری را از خود بجا گذاشتند. تجربه داریسیران و جنبش دانش آموزان مریوان و چندین تجربه مشابه و کارآمد دیگر در مریوان، همه دست به دست هم داده و به نیروی عظیم و کارساز برای سازماندهی کوچ تاریخی مردم مریوان تبدیل گشتند. چنانچه قبل تر اشاره کردم، انعکاس این حرکت، نه تنها در کردستان و ایران، در سراسر جهان نیز بازتاب داشت و به سوزه مهمی برای روزنامه آن دوره جهان تبدیل گشت. کوچ تاریخی مردم مریوان در نوع خود کم نظیر بود و بسرعت توانست سطح همکاری و مشارکت و همدلی مردم با همدیگر را به نحوی غیر قابل تصور در خود منعکس کند و آنها را به کمک و یاری همدیگر وا دارد و به مرهم ای برای مداوای درد های عمومی آنها تبدیل شود.

به همین خاطر، کوچ تاریخی مردم مریوان را می توان در کنار تجاربات بزرگ جهانی قرار داد و از آن بمتابه درس و تجربه گرانبهائی استقاده نمود و بموقع آنرا بکار گرفت. خواننده عزیز ما باید بر این نکته واقف باشد که رهبری کردن چنین رویداد های عظیمی، فقط و فقط از عهده کمونیست های راستین بر می آید نه دیگر احزاب و جریانات بورژوازی. عدم شرکت حزب دمکرات در این رویداد، تصادفی و اتفاقی نبود. آگاهانه بود چون رویدادن همچون اتفاقاتی، قبل از هر چیز زنجیر های نا آگاهی را در هم می گسند و دورنمای زندگی آتی را ب مردم نشان میدهد. که هر دوی آنها سد و مانع راه پیشروی همه رژیم های حاکم و احزاب و جریانات بورژوازی در اپوزیسیون است و آنها را تضعیف میکند. ادامه در صفحه ۴

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

کارگران شاغل در مراکز کار بوکان و دستمزدهای متفاوت

سهیل حسینی

توضیح: شرط لازم برای یک فعالیت کاری موثر، تاثیر گذار و عملی، شناخت و آگاهی کامل بر نوع خواست و مطالبات و همچنین مشکلات و معضلات موجود در محیط مورد نظر است و این از اصول اولیه هر فعالیت کمونیستی و کاریگری است. کاریگری پیشرو و رهبر، کاریگر کمونیست و سازمانده بدون درک و شناخت واقعی از موانع و مشکلات موجود در محیطها و مراکز کاریگری نمی تواند متشا اثر واقعی و تاثیر گذار باشد. شرایط، اوضاع و احوال و نوع معضلات و پیچیدگیهای محیط و مرکز کاریگری است که فعالین و رهبران کاریگری را ملزم می نماید که چه اقداماتی را می توانند برای ایجاد اتحاد و نوعی از تشکل حول خواستها و مطالبات مطرح شده در دستور بگذارند تا فعالیت و کار رویتین خودشان را بر اساس داده ها و مناسبات موجود میان کارگران و سرمایه داران و نوع خواستها و مطالبات و کیفیت و سطح اعتراضات سازمان دهند و این می تواند گام مهمی در جهت ارتقا دادن مبارزات کارگران باشد. مطلب زیر از رفیق سهیل حسینی نمونه خوب از ارائه شناخت از شرایط کارسخت کارگران در شهرستان بوکان است. نشریه اکتر از فعالین و کارگران کمونیست و از کادرها و اعضای حزب در کردستان میخواد، با ارسال تجارب و شناخت خود از محیط کار و زندگی کارگران سهم خود را در شناخت هر چه دقیقتر شرایط کار و زندگی طبقه کاریگر در کردستان ایفا کنند.

نشریه اکتر

موقعیت بوکان از نظر سطح اشتغال و بیکاری

بوکان یکی از شهرهای نسبتاً پرجمعیت استان آذربایجان غربی است. طبیعت زیبا، شهرسازی و بناهای نو ظاهری زیبا به این شهر داده است. اما در ورای این پرده دروغین و طبیعت ظاهری وقتی وارد جزئیات زندگی مردم می شوید و بافت اقتصادی و سطح معیشت و نوع زندگی و کار و شغل و درآمد و سرگرمیهای شهروندان این شهر را مورد بررسی قرار می دهید، برای طبقه کاریگر و مردم زحمتکش چیزی جز فقر و فلاکت، بیکاری، اعتیاد، بیماری، ترس، استرس، گرسنگی و بی خانمانی را نمی توان یافت. بافت این شهر هم مثل هر جای دیگری در این دنیای سرمایه داری به قسمتها و بخشهای بالا نشین و پایین نشین، ثروت مند نشین و فقیر نشین تقسیم شده است. بالا شهریها زندگی شاد و مرفه دارند و پایین شهریها شبها و روزها را با گرسنگی و درد و آزار می گذرانند. بیکاری بیداد می کند، هیچ امنیتی نه از نظر اقتصادی و نه از نظر جانی و مالی وجود ندارد و این مردم را به شدت

نگران کرده است. جوانان بیشمار و بیکار، کاری جز متر کردن خیابانها و کوچه ها ندارند که در موقع عصرها و خنکی هوا این وضعیت را با وضوح بیشتری می توان دید و این بشدت آزاردهنده است.

پای حرف و سخن هر کدام از این جوانان می نشینید متوجه می شوید که برای یافتن کار و شغل و درآمد به تمام شهرهای دور و نزدیک سفر کرده اند اما جز نا امیدی و سرخوردگی چیزی عایدشان نشده است. همه از این وضعیت ناراضی هستند و موجی از تنفر و اعتراض به این وضعیت در میان جوانان موج می زند. این شهر از نظر اشتغال و کار نیز در سطح خیلی پایینی قرار دارد و با وجود کارگاهها و تولیدیهای کوچک و بزرگ در داخل و خارج از شهر ولی باز به نسبت جمعیت این شهر که تقریباً از مرز 250000 نفر هم گذشته است همچنان بیکاری بیداد می کند و مردم خیلی زیادی متأسفانه هیچ شغلی ندارند و این در حالی است که بخش بزرگی از کارگران در این شهر برای امرار معاش و زنده ماندن به شغلها و کارهای فصلی مانند کار در کوره پز خانه ها و یا کارهای کشاورزی روی می آورند. این کارگران نیز از هر نظر در شرایط خیلی سختی کار می کنند. وضعیت کارگران شاغل هم زیاد تعریفی ندارد و آن درصد از مردم شاغل هم به نسبت تورم و گرانی موجود از هر نظر بشدت در تنگنا هستند. هیچ کاری به نسبت در آمدی که در ماه دارد نمی تواند هزینه تامین یک سرپناه حتی محقر و خوراک برای زنده ماندن و همچنین هزینه های پزشکی و تحصیل را فراهم نماید و این زجر آور است. وضعیت کار از ساعت کار گرفته تا سطح دستمزدها و بهداشت و امنیت و... با استانداردهای امروزی هیچ تناسبی ندارد. کارگران از ترس بیکار شدن به ضد انسانی ترین شرایط کار تن در میدهند و شدیدترین استمارا در اینجا می توان دید. قطعه سازی، سنگبری، جوشکاری، خیاطی و خبازی و... از جمله کارگاهها و تولیدیهایی هستند که می شود در داخل شهر نام برد که از این میان شدت استثمار در کارگاههای سنگبری از همه شدیدتر است. که بطور متوسط کاریگر باید 13 الی 14 ساعت در سختترین شرایط کار کند فقط با دستمزد نا چیز 200 تا 250 هزار تومان در ماه، بدون روز تعطیل و فقط بعد از ظهر جمعه تعطیل می باشند.

کارگران شاغل و سطح دستمزدها

به نسبت جمعیت این شهر در صد خیلی کمی از کارگران دارای شغل ثابتی هستند. عموماً کارگران به صورت قراردادی از طرف کارگاهها و کارخانه های کوچک و بزرگ به خدمت گرفته می شوند. تعیین سطح دستمزدها در اکثریت این کارگاهها و کارخانه ها از هیچ قاعده و قانونی پیروی نمی کنند. حتی قانون ضد کاریگری جمهوری اسلامی هم در این تولیدیها اجرا نمی شود و این دست سرمایه داران و کاریگرمایان را برای تحمیل ضد انسانی ترین شرایط کار و از جمله دستمزد

های به شدت پایین باز تر نموده است. این وضعیت را با ارائه آماری از سطح دستمزدها در چندین کارگاهها و تولیدیهای مرور میکنیم.

در شهرک صنعتی حدود 50 کارگاه و تولیدی کوچک و بزرگ وجود دارند و بیشتر از 450 نفر کاریگر مشغول به کار هستند از این تعداد کاریگر حدود 400 کاریگر دستمزدشان از 260000 تومان در ماه پایین تر است و با این وصف این چندرغاز نا چیز را هم بعد از چند ماه دریافت می کنند. بعد از دریافت هر مقدار حقوقی، کاریگران اجباراً باید برگی ای سفید را امضا کنند که تمام حقوق مزایایشان را دریافت نموده اند. بطور مثال در کارخانه های قند امین پور، رشید عبدالهی و حاجی عبدالکریم مجموعاً 90 کاریگر مشغول به کار هستند 60 نفر روزکار و 30 نفر شب کار هستند و دستمزد این کاریگران بابت هر 12 ساعت کار در شب یا روز فقط 8000 تومان می باشد. در شش کارگاه اتاق سازی مجموعاً 98 کاریگر مشغول به کار هستند دستمزد این کاریگران در ماه فقط 250000 تومان است. در کارگاه و کارخانه های شیر آندو، شیشه سازی شاه محمدی و جعبه سازی میوه مجموعاً 47 کاریگر مشغول به کار هستند که تنها در ماه دستمزد 240 الی 260 هزار تومان دریافت خواهند کرد. در کارگاه سفال سازی سالمی مجموعاً 62 کاریگر مشغول به کار هستند که برای هر هزار آجر سفال فقط 2500 تومان حقوق دریافت می کنند. در اکثریت کارگاهها وضعیت اگر بدتر نباشد بهتر از این شرایط نیست.

ساعت کار این کاریگران در اکثریت این کارگاهها به شدت بالا و معمولاً 12 ساعت است که در فرصت دیگری آن را مورد توجه قرار خواهیم داد. لازم است اینجا اشاره ایی هم به تعداد و شرایط زندگی و کار کاریگران بخش قالی بافی و رانندگان در بخش تاکسی تلفنی داشته باشیم. در بخش قالی بافی طبق آمار سال 1386 تعداد 9870 نفر مشغول به کار بوده اند که در حال حاضر این آمار باید به مراتب بیشتر باشد. کاریگران این بخش نیز از بی حقوق ترین کاریگران هستند که در شرایط به شدت سخت، از نا امنی کار گرفته تا نبود بهداشت و نور کافی و ساعات کار به شدت بالا دستمزد خیلی ناچیز مشغول به کار هستند. کار این کاریگران کثرتی و بر اساس اتمام هر تخته قالی یا فرش می باشد. از تعداد کل این کاریگران فقط 650 نفر دارای بیمه های اجتماعی و درمانی بوده اند که این خود نشانه شرایط و وضعیت وخیم کار در این بخش از تولید می باشد. در بخش تاکسی تلفنی هم نزدیک به 500 راننده و مالک تاکسی مشغول به کار هستند که معمولاً سطح درآمد در این بخش از خدمات هم کفاف یک زندگی حتی زیر خط فقر را هم نمی کند. سطح در آمد رانندگان در ماه 120 الی 150 هزار تومان در ماه می باشد که معمولاً در روز رانندگان باید 10 الی 12 ساعت کار کنند.

ادامه در صفحه ۸

آندوره حزب دمکرات اضافه نمی کرد. در پایان نوشته میخوام باد آوری کنم که، هدایت و رهبری کوچ تاریخی مردم میروان تماماً به عهده کمونیست هایی بود که کومه له آن دوره شکل دادند نه هیچ حزب و جریان دیگری. دوم اینکه، نقش و تاثیرات این رویداد، تنها به کردستان و سراسر ایران ختم نشد، در سطح جهانی نیز بازتاب فراوانی داشت و روزنامه های پر تیراژی هم راجع به آن نوشتند و تعریف کردند. سوم اینکه در آن شرایط حساس و خطیر ایران، مقابله قهرمانانه مردم میروان علیه

رویداد های بزرگ و تاریخی سطح هوشیاری و همیاری مردم را ده چنان کرده و راه و مسیر ده ساله را به یکسال تبدیل خواهد کرد. عدم شرکت حزب دمکرات در این کوچ تاریخی مردم میروان، اساساً از دید و زاویه منافع طبقاتی اش بود که خیری به آن نمی رساند و چیز مثبتی بحال و آینده

مصاحبه با عبدالله دارابی به مناسبت سی و یکمین ...

رویداد های بزرگ و تاریخی سطح هوشیاری و همیاری مردم را ده چنان کرده و راه و مسیر ده ساله را به یکسال تبدیل خواهد کرد. عدم شرکت حزب دمکرات در این کوچ تاریخی مردم میروان، اساساً از دید و زاویه منافع طبقاتی اش بود که خیری به آن نمی رساند و چیز مثبتی بحال و آینده

زنده باد سوسیالیسم!

گارد آزادی در کردستان : خنثی کردن نیروهای مسلح رژیم و اقدامات گارد آزادی و مردم آزادیخواه!

(بخش سوم و پایانی)

سلام زیجی

مقابله با قدرت و ماشین سرکوب نظامی جمهوری اسلامی

در بخش اول بر جایگاه مهم فعالیت گارد آزادی در محلات شهر و وظایف، الگوها و سنت هایی که این نیرو میتواند بر مینا آن در محلات موثر واقع گردد و راه گسترش و نفوذ و قدرت خود را بدرستی دربیاید بحث کردیم و بر مبارزات آزادیخواهانه مردم در مبارزه با جمهوری اسلامی و سنت و فرهنگهای ارتجاعی قومی و زن ستیز و غیره در محلات شهر تاکید شد. در بخش دوم نیز بسیج مردم و مقابله بر علیه خطر جنگ و فضا سازی جنگی که امریکا و جمهوری اسلامی و نیروهای ناسیونالیست نیاز دارند تا تنور آن را گرم نگاه دارند و از آن بهره برداری سیاسی کنند توضیح داده ایم و تاکید کرده ایم که باید به مقابله با این پروژه برخورد و مانع تداوم و وقوع عملی آن شد. در عین حال علل اینکه چرا باید در جامعه کردستان کارگران، کمونیستها و آزادیخواهان نیروی قدرتمند مسلح و متکی به سنت مبارزاتی خود را داشته باشند روشن توضیح داده ایم. از این زاویه بر اهمیت مسلح شدن بخش زیادی از واحدهای گارد آزادی در کردستان و ضرورت فراهم کردن زمینه مسلح شدن آنها در ابعاد گسترده تاکید داده شده است.

اکنون در ادامه بخش اول و دوم، علاقه مندان و واحدهای گارد را در بخش سوم و پایانی این مجموعه بحث به یک بعد مهم دیگر از وظایف و فعالیت گارد آزادی و مردم آزادیخواه جلب میکنم. آنهم ضرورت مقابله و مبارزه جدی و گسترده با هدف تضعیف و خنثی کردن مهمترین قدرتی است که جمهوری اسلامی اساسا با اتکا بر آن توانسته است تا اکنون مردم را سرکوب و بخشی از جامعه را مرعوب نماید و به حیات ننگین خود ادامه دهد. یعنی مقابله با قدرت و ماشین سرکوب نظامی جمهوری اسلامی.

- اهداف و ماهیت ارگانهای نظامی سرکوب

ابتدا لازم میدانم به حقایقی در مورد اهداف و ماهیت ارگانهای رسمی و نظامی دولتی به نکاتی اشاره کنم. دولت های سرکوبگر و طبقه حاکمه همواره کوشیده اند ماهیت طبقاتی و جایگاه اهدافی که به واسطه ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای خود تعقیب میکنند بپوشانند. با دروغ پردازی آن را ارگان "حفاظت از جامعه" و "عام المنفعه" قلمداد نمایند. اما این بزرگترین عوامفریبی است. واقعیت این است که دولتها و سرمایه داران به ویژه در این عصر بدون نیروی حرفه ای و سرکوب نظامی حتی یک روز هم نمیتوانند در قدرت باقی بمانند. ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای دیگری مانند سپاه پاسداران و بسیج و سازمانهای مخوف اطلاعاتی و ... داروندهای مسلح و اجبری میباشدند برای مقابله با مردم، و فقط در خدمت بقا سیستم موجود و طبقه و دولت حاکم سازمان داده شده است. هزینه سر سام آور نیروهای حرفه ای سرکوب و مفتخور نیز پنهان و آشکار از راه هزینه

طبقه کارگر و مردم زحمتکش تامین میگردد. هدف اول این دستگاه عظیم حرفه ای نیز سرکوب و تحت انقیاد نگاهداشتن خود کارگران و مردم زحمتکش میباشد.

آگاهی و شناخت عمومی جامعه در مورد حقایق ساده مربوط به ماهیت و جایگاه نیروهای مسلح و حرفه ای دولتی گام نخست در انتخاب یک مبارزه درست و موثر برای مقابله با آن است. این مهم بطریق اولی در ایران تحت حاکمیت یک ماشین سرکوب نظامی- اسلامی امر مهمی است برای مردم و گارد آزادی. جمهوری اسلامی نه تنها بارزترین نمونه رژیم است که با دروغهای بزرگ ماهیت و اهداف کلیه نیروهای مسلح و حرفه ای خود را با عنوان دفاع از "میهن"، "نیروی مردمی" و توجیهاات "خطر خارجی" و غیره جار میزند که آشکارا و مستمر مردم را به وسیله همین ارگانهای ضد مردمی سرکوب کرده و میکند. منابع و ثروت آن کشور و هزینه ده ها میلیون کارگر و زحمتکش را با قیمت نابودی آنها به نیروهای مفتخور، مصرف کننده، سرکوبگر و آدمکش اختصاص داده است. ابعاد جنایت و کشتار و اعدامهایی که به وسیله ارتش، سپاه، اطلاعات و بسیج (نیروهای حرفه ای جمهوری اسلامی) در سی سال اخیر در ایران و منطقه صورت گرفته است در تاریخ کم سابقه است. واقعیت این است که با کمتر از نصف هزینه که برای نهادهای حرفه ای سرکوب اختصاص داده میشود میتوان فقر را از آن مملکت برچید، مهمترین نیازمندیهای مردم از جمله آموزش و پرورش، خدمات پزشکی و درمانی و آب و برق و ... را رایگان کرد و همین امروز حقوق کارگران را حداقل پنج برابر افزایش داد. این رژیم و ارگانهای نظامی آن بر روی دریای تنفر مردم نشسته است و تنها با اتکا به قدرت نظامی و زورگویی و سرکوب و گرو گرفتن سفره مردم توانسته مانع سقوط خود گردد. احتلال کامل این ارگانهای سرکوب سرمایه داران و دولت جزئی از اهداف اصلی گارد آزادی میباشد.

- حربه های هدفمند و جنایتکارانه رژیم

حکومت اسلامی از تحمیل زندگی بردگی به طبقه کارگر و فشار گسترده به زنان و نسل جوان و با ایجاد دهها موانع و مقررات ارتجاعی در محیط کار و زیست و مدارس و دانشگاه و امور زندگی خصوصی و غیره اکثریت مردم را با فقر و فلاکت و سرکوب گسترده روبرو کرده و از این وضع نهایت استفاده را برده است. برای در اختیار گذاشتن تمام امکانات جامعه به طیف انگل سرمایه دار و بستگان و ارگانهای مذهبی و حکومتی بیش از پیش برای تداوم حاکمیت ننگین خود به سرکوب و فشار و فریب کارگران و جامعه متوسل شده و همزمان برای تامین و تقویت دستگاه سرکوب نظامی خود در تلاش گسترده است. به منظور وادار کردن مردم به پیوستن به ارگانهای رسمی سرکوب و به اجیر گرفتن بیشتر مردم زحمتکش و فقیر و سرکوب شده از شرایطی که به جامعه تحمیل کرده اند و همچنین از بهانه هسته ای و "خطر خارجی" سود زیادی جسته اند و در اشکال مختلف دارند نقشه های خود را به پیش میبرند. رژیم با اختصاص میلیاردها دلار به ارگانهای نظامی سرکوبگر خود و دادن امتیازات وسیع مالی، تحصیلی و اجتماعی ویژه به افرادی که رژیم و اطلاعاتی و بسیجی هستند و یا میشوند و از بستگان "شهدا" و آخوند و حوزه و سپاهی ... میباشدند، دیوار "حفاظتی" برای خود درست کرده است. این را به قیمت تحمیل آگاهانه فقر، بیکاری، اعتیاد گسترده و دزدی و چپاولگری و هزینه نیروی کار میلیونها کارگر در کنار دستگاه ترور و

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

گارد آزادی در کردستان : خنثی ...

چگونه میتوان از همین امروز ملزومات انهدام کامل دستگاه سرکوب و جنایت ارتش و سپاه و اطلاعات و ... را از درون و بیرون آن فراهم کرد. چگونه میتوان مبارزه ای را شکل داد که بتواند دست رژیم را از تداوم سیاست ضد انسانی اش کوتاه کند. نه تنها باید مانع پیوستن به نیروهای سرکوب شد که سیاستهای ضد انسانی رژیم را باید افشا کرد و نیروهای موجود رژیم را نیز به ترک صفوف جنایتکاران تشویق کرد. چنین هدفی اگر در راس کار مردم و نیروهای انقلابی و گارد آزادی قرار بگیرد بدون تردید به نتیجه خواهد رسید و می توان مهمترین پایه قدرت رژیم را زد و آنرا همین امروز با شکست و ناکامی جدی روبرو کرد.

- رژیم در کردستان

جمهوری اسلامی در کردستان بیش از همه جا به این سیاستها روی آورده و به آن متکی میباشد. طبق آماري که هست حداقل دویست هزار نفر نیروی نظامی و حرفه ای و اطلاعاتی جمهوری اسلامی بطور مستمر در کردستان حضور دارند. تقریباً برای هر ده تا پانزده نفر یک نیروی حرفه ای مسلح و غیر مسلح دولتی اختصاص داده شده است. بخش عمده این نیرو نیز از راه سرکوب و فشار و عوامفریبی و سیاست تحمیل فقر و بیکاری گسترده و اختصاص پولهای کلان برای تامین هزینه دستگاه سرکوب و استخدام مزدور از مردم زحمتکش کردستان گردآوری کرده است.

بنظر من میتوان این سیاستهای ضد انسانی، عوامفریبانه و نفس قدری و قدرت نظامی که جمهوری اسلامی برای حفظ بقا خود به آن متکی است با شکست روبرو کرد. مردم میتوانند در همه ایران و در اشکال مختلف وسیعاً اهداف و عملکرد و نفس وجود این همه نهاد سرکوب و مصرف کننده را زیر سوال ببرند. جامعه ای که این همه هزینه را برای ارتش و سپاه و بسیج و سازمانهای اطلاعاتی و ... پرداخت میکند و همزمان زیر فشار سرکوب نظامی و پلیسی آنها قرار دارد نباید در سکوت زندگی کند. جامعه ای که با فقر کمرشکن روبرو میباشد چرا نباید در راس تمام مطالبات و مبارزات خود خواست توقف اختصاص هزینه به نیروهای سرکوب و توقف فضای پلیسی قرار بگیرد. چرا نباید جامعه با صدای بلند از نیروهایی که به هر دلیلی به دام دستگاه سرکوب نظامی حکومت اسلامی افتاده اند بخواهد که این صف جنایت و آدمکشی را ترک کنند.

اقدامات عملی مردم و گارد آزادی در کردستان

در جامعه کردستان امکان عملی کردن اقداماتی در جهت به هم ریختن صفوف و قدرت نظامی رژیم به مراتب بیشتر است. تحقق آن در گرو این است که به عنوان یک وظیفه و یک امر مهم در دستور مردم آزادیخواه و گارد آزادی قرار بگیرد. اولین اقدام ما باید این باشد که وسیعاً در مورد جایگاه و اهداف ضد انسانی و سرکوبگرانه نیروهای رژیم در سطح جامعه و در میان نیروهای رژیم دست به کار تبلیغی و آگاهگرانه جدی زد. طبق یک برنامه گسترده با خانواده همه کسانی که به هر دلیلی تن به همکاری و مزدوری رژیم داده اند تماس گرفت. به سبک ناسیونالیستها که با القاب "جاش" (کرد زبانان که تابع حکومت مرکزی هستند) دادن به آنها برخورد کرد. نباید مباردت به انیت و آزار اعضا دیگر خانواده آنها متوسل شد! حتی نباید یک سر سوزنی به این فکر کرد که از راه "مبارزه مسلحانه و نیروی پیشمرگ" میتوان به چنین هدفی برسد. سیاستهای ناسیونالیستی درست بر عکس به

نفع خود رژیم تمام شده است. مهم این است از طرق مختلف، نامه، تلفن و تماس حضوری با خانواده خود آن افراد تماس گرفت. به آنها هشدار داده شود و تشویق و متقاعد کرد که این شغل شریفی نیست. نشان داده شود که آنها عملاً دستشان به خون مردم و کل جنایت رژیم آلوده میشود. نشان دهیم که چطور به زیان خود و خانواده اش تمام خواهد شد و در مقابل نفرت مردم قرار خواهند گرفت. اگر واقعا افرادی صرفاً از سر فقر مالی به صف نیروهای رژیم پیوسته اند باید کمک کرد تا شغل مناسبی پیدا کنند. حتی در مواردی با کمک مالی دوستان و اطرافیان کمکشان کرد تا صف آدمکشان را ترک کنند. چنانچه با کسانی روبرو هستیم که برای رسیدن به دیگر نیازمندیهای زندگی اجتماعی مثلاً تن به کار بسیجی داده اند نشان دهیم که چنین کاری ارزش این همه خفت را ندارد و میتوان راه دیگری را در مقابل چنین افرادی قرار داد. واقعیت این است که تعداد زیادی بدون آگاهی کافی از نتایج راهی که مجبور به انتخاب آن شده اند ناخود آگاه و عملاً به یکی از مهره هایی تبدیل شده اند که کارشان شراکت در ماشین جنایت و حافظ منافع یک حکومت جنایتکار است. با تلاش جدی که ما میکنیم ممکن است بتوان هزارها انسان را از چنگ جمهوری اسلامی بیرون آورد و آنها را به زندگی و آینده انسانی بازگرداند و امیدوار کرد. چنین تلاشهایی بخش مهمی از مبارزه مردم و گارد آزادی بر علیه جمهوری اسلامی است.

در برخورد به برخی دیگر از نیروهای مزدور و حرفه ای رژیم که اب از سر شان گذاشته شده است و آگاهانه در سرکوب مردم و همکار با رژیم، چه در شکل مسلح و چه غیر مسلح، فعال میباشند، باید بطور قاطعتری رفتار کرد. با خانواده این طیف نیز همانند طیف قبلی باید تماس گرفت و نهایت تلاش را کرد. در برخورد به خود اینها از راههای مختلف باید به آنها اخطار کرد و زمان تعیین نمود برای کنارگیری و دست کشیدن از آزار مردم و از همکاری با جمهوری اسلامی اجتناب کنند.

ضروری است که با دقت لیست اسامی این افراد را تهیه و برای ما ارسال کنند. در مشورت با ما همچنین میتوان آن اسامی را در محلات و مدارس و محل کار و پارکها و ... پخش نمود و یک فضای عمومی تفرغ علیه آنها به وجود آورد. بدنبال این اقدامات و دادن چند اخطاریه به آنها چنانچه فرد مزبور همچنان همکاری خود ادامه دهد باید در محله ای که زندگی میکند در اشکال مختلف چنان فشاری به آن وارد کنند تا ناچار به ترک محله شوند و کوچ کنند. در مواردی میتوان تخلف افراد شرور را با اقدامات و مجازات شدیدتری پاسخ داد. ایجاد چنین فضایی برای نیروهای مزدور و حرفه ای رژیم، اعم از ارتشی، سپاهی، بسیجی و یا اطلاعاتی و انتظامی، و تلاش و اقداماتی که بدان اشاره شد به نظر من یکی از مهمترین کارهای هر انسان آزادیخواه و فعال سیاسی و اجتماعی و هر کسی است که قدرت و ماشین سرکوب نظامی رژیم را مسئله جدی بر سر راه مردم تلقی میکند. کار مهمی است اگر چنانچه در ابعاد بسیار وسیع در شهر و روستا و مراکز کار و تحصیل و محلات اقدامات جدی صورت بگیرد، بدین طریق قادر خواهیم شد جمهوری اسلامی و قدرت نظامی اش را تضعیف و دچار وحشت کنیم. اما برای رسیدن به این هدف این اقدامات هنوز کافی نیست. همزمان ضروری است در همین راستا از درون خود نیروهای جمهوری اسلامی و در میان انسانهای شرافتمند از جمله در پادگانها و صفوف سربازها هزارها واحد گارد آزادی را ایجاد کرد، که خود بخشی از همان هدف را تامین میکند.

- در صفوف ارتش، واحدهای گارد آزادی

سازمان دهیم

سربازی رفتن بر عکس عضویت در سپاه پاسداران و یا بسیجی و اطلاعاتی شدن امری است اجباری و بجز فرزند سرمایه داران و افراد حکومتی اکثریت جوانان خانواده های کارگری و زحمتکش را در بر میگیرد. بجز پرسنل ویژه و کادری و فرماندهی، اکثریت آنرا سربازان تشکیل میدهند که مانند سپاه و بسیج و اطلاعاتی موجب بگیر و مزدور نیستند. در سطح افکار عمومی نیز هر چند که بدست ارتش نیروی حامی دولت سرکوبگر شناخته میشود اما نفس سرباز بودن و سربازی رفتن مانند یک سپاهی و بسیجی منظور و مزدور تلقی نمیشود. از این رو کار در میان سربازها و تماس گرفتن و تشویق آنها به خودداری کردن از شرکت در سرکوب مردم، سرپیچی از دستورات و اخلاص در کار نیروهای سرکوب و ... امکانپذیر و ممکن است. هم به دلیل در خدمت گرفتن اجباری آنها و هم بدلیل شرایط سخت و نابرابر مالی و اینکه از احترام خاصی حتی در صفوف این ارگان سرکوب دولتی برخوردار نمیباشند معمولاً نیروی سرباز هیچ دلخوشی از حکومت ندارد. چنین موقعیتی مینا و زمینه امکان اقدامات و شکل گیری سازمانهای انقلابی در میان نیروهای ارتش بوده و میباشد. در صفوف این مهمترین ارگان نظامی حامی دولت و سرمایه، بنا به دلایلی که اشاره شد، امکان سازمان دادن واحدهای گارد آزادی هست. اگر در هر پادگان یا تیپ و گردانهای ارتش بتوان بر مینا اهداف و سیاست ناظر بر گارد آزادی واحدهای زیادی ایجاد کنیم نه تنها امروز از درون نقش و قدرت سرکوب نظامی یکی از ارگانهای مهم جمهوری اسلامی را خنثی خواهیم کرد که در پس تحولات انقلابی فردا کل این نهاد سرکوب را بر علیه خودش تبدیل خواهیم کرد و همراه جمهوری اسلامی نابود خواهد شد. بردن ایده ایجاد واحدهای گارد به درون مراکز ارتش و نیروهای مسلح رژیم و تلاش برای مطلع شدن آنها از اهداف و وظایف گارد امری حیاتی است که هر خانواده و بستگان سربازان و هر انسان آزادیخواه و واحدهای گارد آزادی میتوانند فوری و وسیعاً به سر انجام برسانند. روشن است سازمان این واحدها نیز مانند همه واحدهای گارد در تیمهای سه تا پنج نفره خواهد بود که بطور منفصل و بدون ارتباط با هیچ کسی و کاملاً مخفیانه خواهد بود که تنها از طریق مسئول واحد خود، منتخب خود واحد با ما در تماس خواهند بود. آموزش و روشنتر کردن وظایف هر واحدی در پادگان و یا پایگاهی که قرار گرفته اند بعد از تشکیل و تماس اولیه آنها با ما بطور ویژه با خود آن واحدها در جریان گذشته خواهد شد. اما چندی کار مهم و عمومی میتوان در دستور هر واحدی قرار بگیرد و در این چهار چوب فعالیت خود را به پیش ببرد. از جمله: با ما تماس منظم داشته باشند. از راه های مختلف و مطمئن اهداف و اسناد گارد آزادی را بدست بقیه سربازها و مراکز نظامی برسانند. تمام امکانات موجود پادگان و پایگاه و گردان و گرهان و ... خود را برای ما به همراه اسامی فرماندهان و افراد شرور بفرستند. ما را از نقل و انتقالات مرکز خود و دیگر نیروهای رژیم با خبر کنند و تلاش کنند به اسناد و برنامه های محرمانه آنها دسترسی پیدا کنند و ما را در جریان آن بگذارند. پیشاپیش مردم شهر و روستا و مکانهای دیگر را از برنامه های سرکوب و دیگر اقدامات سرکوبگرانه ارتش و سپاه و ... باخبر کنند. با ابتکارات مختلف در تسلیحات و تجهیزات و وسایل نقلیه نیروهای رژیم اخلاص به وجود بیاورند. در هیچ جنگی بر علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همچنین در هیچ نوع حرکت ضد مردمی و سرکوبگرانه شرکت نکنند و راه پرهیز از آن را جستجو کنند.

ادامه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در کردستان

تهیه و تنظیم: اسماعیل ویسی

تهدید کارگران کارخانه "نیروسازان ماد" شهر سنندج به اخراج و سرکوب

طبق خبر دریافتی کارفرمایان کارخانه "نیروسازان ماد" واقع در شهر سنندج، کارگران معترض این کارخانه را تهدید به اخراج و سرکوب نمودند. به دنبال افزایش اجباری ساعات کاری به 12 ساعت چرخشی در مدت 24 ساعت، کارگران این کارگاه تولیدی واقع در شهرک صنعتی شماره یک سنندج دست به اعتراض مسالمت آمیزی زدند که با خشونت و تهدید کارفرمایان روبرو گردید و در ادامه کارفرمایان کارگران معترض را به اجبار روانه کارگاه و وادار به کار نمودند. از سوی دیگر در تداوم سیاست تهدید و ارباب کارگران، روز سه شنبه 19 مردادماه نیز کارفرمایان در واکنش به درخواست مرخصی 5 نفر از کارگران، تهدید کردند که آنان را به اتهام واهی سرکشی به اداره اطلاعات تحویل و اقدام به اخراج کارگران خواهند نمود.

سوانح کار، قتلگزاران در حین کار

مرگ 8 کارگر در دو هفته بنا به اخبار رسیده در 2 هفته اخیر در مراکز کاری و در حین کار بر

گزیده ای از مهمترین اخبار و رویدادها در کردستان

تهیه و تنظیم: سالار کرداری

تهدید کویستان گلکار

کویستان گلکار از فعالان حقوق زنان در استان کردستان توسط نیروهای امنیتی تهدید به بازداشت شد. همچنین این نیروها، وی را تحت فشار گذاشته اند که از ارسال مطلب به سایب و نشریات خارج از کشور خودداری کند.

آزادی موقت فعال مدنی "نعمت اسدی"

نعمت اسدی از فعالین مدنی و مسئول روابط عمومی نشریه زریوار با تودیع وثیقه 100 میلیون تومانی به صورت موقت از زندان آزاد شد. اتهام ایشان اقدام علیه امنیت ملی، سازماندهی اعتصابات و ارتباط با رسانه های برون مرزی بوده است. جنگل های مریوان و مراعات سقز در

اثر عدم امکانات امنیتی در محیط کار، در شهرهای "سنندج، مریوان؛ دیواندره و سقز و سلیمانیه" چندین کارگر جان خود را از دست دادند. اسد صولتی راننده ماشین سنگین در سد آزاد نگل، غلام رضا کارگر بخش حفاری بر اثر ریزش تونل سد نگل، رنوف مقصدی کارگر برقکار در سنندج، کارگر جوشکار کیوان عبداللہی به دلیل سقوط از یک اسکلت در دست احداث در شهرک "بهداشت" شهر دیواندره، عبدالله فرهادی معروف به "عبه خیبات" از کارگران مهاجر به حین کار در شهر سلیمانیه، علی ویسی کارگر ساختمانی در شهر سقز و اقبال رضایی کارگر ساختمانی در سنندج "مناسفانه جان خود را از دست دادند.

سد ژاوه

کارگران سد ژاوه که تعدادشان 700 نفر میباشد. به دلیل پرداخت نشدن 5 ماه دستمزد شان روز 1389/4/29 دست از کار کشیدند و پس از 12 روز اعتصاب سرانجام نیرو های امنیتی و گارد ویژه به کارگران یورش بردند آنان را مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار دادند و "عسگر شاه مرادی - افشین احمدی - فرید آمدن و هیوا سهیلی فر" را بازداشت نمودند.

لازم به ذکر است که کارگران دستگیر شده با قرار وثیقه آزاد شدند و پس از تسویه حساب محل کار خود را ترک کردند. بقیه کارگران را تهدید نمودند، اگر به اعتصاب ادامه دهند، آنها را از کار اخراج خواهند کرد. به گفته یکی از کارگران،

آتش می سوزد جنگل های اطراف روستاهای وشکین، دره ناخی، نژمار و زلکه از توابع شهرستان مریوان در روزهای 10 و 11 مرداد در آتش سوختند، لازم به ذکر است جمعی از دوستداران محیط زیست با همکاری مردم جنگل های حوالی دریاچه ی زریوار را پاکسازی کردند که از خطر آتش سوزی در امان بماند. همچنین مراعات حومه شهر سقز نیز دچار آتش سوزی شده است. وسعت آتش سوزی ها در سقز به 120 هکتار رسیده است. قابل ذکر است از ابتدای امسال 20 آتش سوزی بزرگ در سقز رخ داده است.

بازداشت چند شهروند سقزی

لقمان احمدیان، دیاکو ستاری، امیر جلالیان، امیر امانیان و قادر شیری از شهروندان سقز، هفته گذشته توسط نیروهای امنیتی رژیم دستگیر شدند. تاکنون هیچ علتی برای بازداشت این شهروندان از طرف مقامات قضایی اعلام نشده است. ادامه ی فشار بر کسبه ی شهرستان دهگلان

کارفرما در پی این اعتصاب. یک ماه از دستمزد معوقه تعدادی از کارگران را پرداخت کرد که همین امر باعث ایجاد تفرقه و دو دستگی در بین کارگران شد و در نهایت اعتصاب به اتمام رسید و کارگران به سرکار خود باز گشتند.

اعتصاب در سد آزاد نگل ما بین شهرهای سنندج- مریوان

بنا به خبر رسیده روز چهارشنبه 13 مردادماه کارگران سد "آزاد" در روستای "نگل" واقع در حد فاصل شهرهای سنندج و مریوان دست به اعتصاب زدند. بیش از 60 کارگر این سد با دست کشیدن از کار خواستار دریافت دستمزد ها و مطالبات معوقه خود شدند.

تضییع دستمزد کارگران شرکت ساختمان سازی استراتوس واقع در جاده سنندج - مریوان

طبق گزارش دریافتی یکپهزار و 800 کارگر شرکت "ساختمان سازی احداث استراتوس" واقع در جاده سنندج - مریوان با قراردادهای موقت دو ماهه مشغول به کار می باشند، به رغم آن که این کارگران از بی حقوقی و محرومیت های فراوان رنج می برند و نسبت به این وضعیت معترض هستند اما کارفرمای مربوطه از پرداخت دستمزدهای معوقه 2 ماهه آنان سر باز می زند.

سنندج

- دستگاه قضایی رژیم اسلامی در سنندج روز چهارشنبه 20 مردادماه "پدرام نصرالهی" فعال کارگری را

بانه، بی اطلاعی از سرنوشت جلال و هژیر رنجبری

سرنوشت جلال رنجبری مسئول اتحادیه نانوبان بانه و از اعضای انجمن صنفی این شهر و یکی از فرزندان ایشان به نام هژیر رنجبری همچنان نامعلوم است. این دو نفر از روز 12 مرداد توسط نیروهای امنیتی رژیم بازداشت شده و تاکنون اطلاعی از وضعیتشان در دست نیست. ##

در چند روز گذشته نیروهای شهرداری و راهنمایی رانندگی فشار زیادی به دستفروشان این شهر در خیابان های اصلی شهر آورده اند، که این کار سبب خشم و ناراضیاتی شدید کاسبکاران شده است.

احتمال افزایش فشار بر فعالان سیاسی، مدنی شهرستان دهگلان

همزمان با آغاز ساخت بنای جدید و قوی پیکر اداره اطلاعات واقع در بین جاده ی روستای سعید آباد - دهگلان مردم این شهر دچار نگرانی های شدیدی شده اند. لازم به ذکر است مقر کنونی این اداره در حال حاضر جنب شهرداری این شهرستان قرار دارد.

سپاه پاسداران بر استحکامات مرزی خود در غرب کشور افزود

با مستقر شدن نیروهای سپاه از دو ماه گذشته در نواحی مرزی چومان و حاجی عمران، اکنون اقدام به ایجاد هفت پایگاه مرزی در این نواحی مرزی کرده است.

باجگیری افراد ناشناس از شرکتهای عمرانی و راهسازی در مریوان

مدتی است در مناطق مختلف استان

کارگران جهان متحد شوید!

کارگران شاغل در مراکز کار

این شرایط تنها مختص به کارگاههای شهرک صنعتی و بخشهای ذکر شده در بالا نیست بلکه متأسفانه به جز درصد ناچیزی از کارگاهها و کارخانههایی مانند آرد ماه منیر بوکان، ماشین سازی آهنگری و آهنگری رحیم خدادادی و پروفیل سازی موکریان که تازه این کارخانه ها نیز براساس قانون کار جمهوری اسلامی مشغول به انباشت سرمایه و استثمار کارگران هستند در بقیه کارگاههای تولیدی قانون همان تولیدی حاکم است و متأسفانه بدلیل شرایط حاکم از لشکر آماده به کار کارگران بیکار گرفته تا ناامنی اقتصادی و شغلی و تأمین معاش برای زنده ماندن و... شرایط کار تحمیلی به شدت غیر انسانی است و بیشتر شبیه به یک اردوگاه کار اجباری است.

شکی در این نیست با چنین سطحی از دستمزدها حتی نمی توان یک زندگی بخور و نمیر را بدون در نظر گرفتن بهداشت، بیمه، هزینه تحصیل، رفاهیات و... را تأمین نمود.

این آمارها تناقضاتی از سطح دستمزدها را نشان می دهند که کارگران آگاه را ملزم می کند که با اطلاع و آگاهی در این مورد فعالیت کنند و در سازمان دادن کارگران برای بدست آوردن خواستهها و مطالبات حول افزایش و قانونمند کردن دستمزدها و رفع تناقضات اینچنینی تلاش کنند. کارگران پیشرو و کمونیستها لازم است که آگاهانه در ایجاد تشکلهای سازمانهای محیط کار تلاش نمایند و تعرضی را علیه این همه بی حقوقی سازمان دهند. این وضعیت را باید تغییر داد و این تنها با آگاهی، کار و فعالیت مداوم و خستگی ناپذیر در بین این کارگران و محیطهای کارشان میسر خواهد شد. اتحاد و متشکل شدن کارگران می تواند مبنای هر تحرک و اعتراض کارگری باشد و این با فعالیت روتین آگاه گری و سازماندهی از طرف کمونیستها ممکن میشود. ##

۶۵ سالگی بمباران اتمی ناگازاکی

صلاح ایران دوست

سه شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۸۹ - ۱۰ اگوست ۲۰۱۰ - ۰۵:۰۶ راس ساعت ۲۰:۱۱ صبح روز نهم اوت ۲۰۱۰ شرکتکنندگان در مراسم ۶۵مین سالگرد پرتاب بمب اتمی، در شهر ناگازاکی ژاپن با سکوت یک دقیقه خود، روزی را به یاد آوردند که در آن دهها هزار نفر در پی پرتاب بمب کشته و زخمی شدند. در مراسم ۶۵مین سالگرد پرتاب بمب اتمی بر شهر ناگازاکی برای اولین بار نمایندگانی از کشورهای اتمی جهان نیز شرکت کردند. نمایندگان بریتانیا و فرانسه در این مراسم حاضر بودند. سفیر آمریکا اگرچه امسال در مراسم سالگرد پرتاب بمب بر هیروشیما شرکت داشت، اما در این مراسم حاضر نشده بود. دفتر سفارت آمریکا اعلام کرد که جان راس، سفیر این کشور در توکیو به علت شرکت در مراسمی دیگر نتوانسته است در این سالگرد حضور یابد. ۳۰ کشور دیگر جهان نیز نمایندگانی به این مراسم اعزام کرده بودند.

ناگازاکی پس از پرتاب بمب اتمیناگازاکی بندری در غرب جزیره کیوشو در ژاپن و مرکز استانی به همین نام است. ناگازاکی دومین شهری است که در جنگ جهانی دوم مورد حمله اتمی آمریکا قرار گرفت. در نهم اوت ۱۹۴۵ میلادی یک هواپیمای بی ۲۹ آمریکایی ناگازاکی را بمباران کرد. این هواپیمای بمبی ۵/۴ تنی با حدود ۱۰ کیلو گرم پلوتونیوم ۲۳۹ به سوی ناگازاکی پرتاب کرد که در ارتفاع ۵۰۰ متری منفجر شد. در اثر این انفجار حدود ۷۴ هزار نفر کشته و حدود ۷۵ هزار نفر نیز مجروح شدند. سالهای بعد باز هم بر شمار قربانیان افزوده شد. تومی هیسا تاو، شهردار ناگازاکی از کشورهای دارای بمب اتمی خواست تا برای دستیابی به جهانی بدون سلاح های هسته ای بکوشند. او دولت ژاپن را متهم کرد که به اندازه کافی در این مورد گام برنمی دارد. شهردار ناگازاکی گفت که دولت ژاپن با هند مذاکراتی را آغاز کرده و خواستار همکاریهای هسته ای میان دو کشور شده است. این در حالی است که دولت هند حتی حاضر به امضای قرار داد منع توسعه سلاح های اتمی نیست. شهردار ناگازاکی در ادامه گفت که دولت ژاپن با این اقدام خود قرارداد منع توسعه سلاح های اتمی را تضعیف کرده است. هنوز در ژاپن بسیاری در اثر اثرات جانبی بمب اتمی ۶۵ سال پیش می میرند. بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد روز جمعه گذشته در مراسمی به همین خاطر در هیروشیما از جامعه جهانی خواست تا در مبارزه علیه منع توسعه سلاح های اتمی پرقدرت عمل کنند.

تماس با دبیر کمیته کردستان
رحمان حسین زاده
تلفن: 0046739225969
ایمیل
husienzade_r@yahoo.com

تماس با روابط عمومی کمیته
کردستان
سالار کرداری
تلفن: 0046700194503
Rawabet.omumi.k@gmail.com

نشریه اکتبر را
بخوانید، آنرا تکثیر
و بدست خوانندگان
برسانید، برای آن
مطلب و گزارش
تهیه کنید

اکتبر روز دوشنبه
هر دو هفته یکبار
منتشر میشود

اعضا هیئت تحریریه
اکتبر:

سیف خدایاری، سلام زیجی،
ملکه عزتی، رحمان حسین
زاده، علی مطهری، سالار
کرداری و رحمت فاتحی

ایمیل تماس و ارسال
مطلب برای اکتبر:
S_zijji@yahoo.se

و محمد حاتمی برای کمک به او
وارد استخر می شوند که
متأسفانه هر سه نفر جان باختند.
همیاری همه شماها نیازمندند.

برای خانواده ای که همزمان
سه فرزند عزیز خود را در
چنین رویداد دلخراشی از
دست میدهند، بیشک رویدادی
شوک آور و اتفاق تکانه دهنده و
غیر قابل جبرانی است.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری- حکمتیست خود را با
خانواده حاتمی و همه بستگان آن
سه عزیز در این سوگ شریک
میداند و صمیمانه به آنها تسلیت
میگوید. در همینجا از مردم
بوکان و اوچ تپه انتظار داریم که
با حضور وسیع در کنار خانواده
و بستگان امیر، آزاد و محمد

اطلاعیه کمیته
کردستان حزب
حکمتیست

در مورد مرگ دلخراش سه
برادر در بوکان

با کمال تأسف خبر مرگ سه
برادر را در روستای اوچ تپه
نزدیک شهر بوکان دریافت
کردیم. امیر، آزاد و محمد
حاتمی در سنین هیجده، بیست و
سی ساله به علت آشنا نبودن با
شنا در استخر آب کشاورزی
غرق شدند. در این حادثه، ابتدا
امیر برادر جوان تر در استخر
آب کشاورزی خود در روستای
اوچ تپه بوکان غرق می شود و
سپس ۲ برادر بزرگ تر، آزاد

به گارد آزادی به پیوندید! زنده باد گارد آزادی!